

امورات قشونی

توپچیان و زنبورکیان و افواج قاهره و سواره نظام
ملتزم رکاب همایون همه روزه در میدان ارک و میدان
مشق خارج دروازه دولت مشغول مشق مستند و عموم
صاحب منصبان در کمال وقت در تعلیم آحاد و افراد توپچی
و سرباز بهتمام دارند

جناب ایلیچی دولت بهیه روسیه از امیر الامراء العظام
سردار کل عساکر مضموره خواش و دستمانه نمود که
بماشای مشق حرکت و تیر اندازی قشون دولت علیه
بیاید و امیر الامراء العظام معز می ایلیه سنجاکپای مبارک
عرض کرده اذن حاصل نمود اگر چه افواج قاهره که در
دار اختلاف تعلیم یافته و درست از رموز نظام و مشق کلا
حاصل کرده اند بجهت ماه مبارک رمضان مخصر شده بود
مگر چهار فوج و قریب بیاضد سوار که بجهت فراولی
در بخانه مبارک که در دار اختلاف متوقف بودند در روز شنبه
یازدهم این ماه قرار دادند که دوازده عراده توپ یکصد
لوله زنبورک و چهار فوج مزبور و سواره مقدم در بالای
میدان اسب روانی حاضر شده ساعت بغروب با
جناب ایلیچی بمنزل امیر الامراء العظام سردار کل آمده از آنجا
باتفاق میان نظام آمدند توپچیان و افواج قاهره مشق
و در کمال چابکی حرکت و تیر اندازی را بجا آوردند بعد از
اتمام تیر اندازی توپخانه و افواج و سواره در حالت سحر
آمده از حضور سردار کل و جناب ایلیچی گذشتیم مخصر
مشق و تیر اندازی توپخانه و افواج قاهره زیاد مستحسن
جناب ایلیچی بسیار تحسین کرده بعد مراجعت نمودند

ماور پطرزبورغ خواهد شد و علاوه ناموریت مخصوصه
تیر بعهده او مقرر و متحول است که بجناب جلالت
جانشین مملکت قفقازیه از جانب استی اجوائب مالو
و از طرف اولیای دولت علیه تفویض شدن مناصب
عالیه و شایسته عظیمه را بعهده کفالت و کفایت ایشان
بترکب و تهنیت بگوید

امور شهر و اصلاحات و انعامات اولیای دولت علیه
و مراقبت نواب شایسته بزرگوار و الا تبارار و شیر میرزا
و مقرب انخاقان میرزا موسی قرین انظام و انضباط است
عالیجاه محسود خان کلانتر و که خدایان محلات پیر
در انجام خدمات محوله بخود نهایت مراقبت را داشته
اجبار تازه نیست مگر اینکه چند نفر در دار محلات دستگیر
شده بقرار شرح ذیل بسزای اغمال خود رسیدند
از جمله نصیر نامی شیرازی که بکرات دزدی کرده بود
درین روز ما نیز مرتکب عمل سرقت گردیده و گرفتار
حسب احکام نواب شایسته بزرگوار و شیر میرزا یک دست او را
از آنچه قطع کرده عبره للناظرین بدو بازار ما گردانند
و هم چنین اسکندر نام نهاوندی دزدی کرده بود
دستگیر شده بعد از سردا اموال مسروقه و کوشش
بریده در بازار ما گردانند دیگر حد بر جردی که سابقا
دزدی نموده و یک دست او را از آنچه قطع کرده بودید
از دزدی دست برنداشته بود درین روز ما نیز
دزدی کرده در ثانی دستگیر شد او را خدمت
نواب شایسته بزرگوار آوردند و حسب احکام نواب معز می
هر دو کوشش او را نیز بریده در بازار ما گردانند و خارج

۱۲۲۸

فوج خرقان جمعی عالیجاه علیقلی خان سرینک با مورخلو
فارس کردید

فوج پانزدهم شقاقی جمعی مقرب انخاقان ابوالفتح خان
سرتیب وارد و از اختلاف شده بودند منکام
تشریف برون موکب هایون بطرف شیرانات بالای

باغ لاله زار بنظر هایون رسیده مور و انعام و التفات
کردیدند این روزنامه مور خراسان گردیده بعد از
گرفتن مواجب خواهند رفت

تو پیمان که ما مور ساخلو کرمان بودند روز شنبه
وارد و از اختلاف شدند روز یکشنبه منکام
تشریف آوردن سرکار اقدس هایون از نیاداران

در دیوانخانه بزرگ شرفیاب حضور مبارک و مورد
التفات ملوکانه شدند

سواره مقدم جمعی عالیجاه علیخان که احضار شده بودند
این روزنامه عالیجانان شکر نویسان عظام سان اینها
دید و عمل مواجب و جیره آنها را پرداخته حساب
ما مور خراسان شدند

سایر ولایات

فارس از قراریکه در روزنامه این ولایت
امورات انجاء و رهنایت انتظام و امالی قرین رفاه
و سرگذاری پیا شدند در ایام ماه مبارک صیام
همگی در مساجد و معابد لطاعت و عبادات جناب
اقدس سبحانی و دعا کونی وجود فایض سبحود هایون
شاهنشاهی دامت شوکه مشغول بوده اند و نواب استقامت
شاهزاده و الایثار مؤید الدوله طهاسب میرزا حکمران فارس

ایام ماه مبارک رمضان را در باغ شهر بوده اند
هر شب جمعی از علماء و سادات را بجهت حصول دعای

وجود اقدس هایون شاهنشاهی ضیافت کرده بعد از
ساعت از شب که مجلس ضیافت منقضی میشد مشغول
انجام عبادت دیوانی بوده اند

از قراریکه نواب امیرزاده لطفعلی خان حاکم بهبهان
بنو ایشا هزاره مؤید الدوله نوشته بودند بعد از آنکه
عالیجاه مقرب انخاقان لطفعلی خان سرتیب فوج شقاقی

بمقتدین و اشرار الواران صفحات کوشمال شایسته
داده است انتظام کامل در امور انولایت حاصل گردید
و احدی مرتکب تعدی و خلاف حساب نمیتواند بشود

و رعایا و امالی آنجا از حصول امنیت و انتظام کمال
شکر گذار میارند

دیگر نوشته بودند که از امتحانات نواب هزاره مؤید الدوله
در حرق و شوارع فارس کمال امنیت حاصل است
از جمله یکبار و چند نوبت تجارت محل قاطر مکاری بوده که با شهر
میرده است در باجگاه که دو فرسخی شهر قاطر مزبور از مالها

گرفته و بار از دوش او افتاده بوده است مکاریان و
صاحبان است خبردار شده مقام تفحص برآمدند و نخواه
مزبور را در همان حوالی سر مهربدون کسر و نقصان پیدا کرده
با اینکه در محلی که وج افتاده بوده است محل عبور و مرور بود
تخواه مزبور را با کسی ندیده یا از احتساب منای دولت علیه
دید و جرئت برداشتن نگردیده اند با بجهت نخواه مزبور
باینطور در معبر عام عیب نگردیده و درست بدست حشمت
رسیده از نواد و اتفاقات است

۱۴۴۹

عربستان

از قراریکه در روزنامه عربستان نوشته بودند نوکر

متوقف آن ولایت از توپچی و سرباز با کمال نظم

حرکت می کنند و همه روزه در میدان شش حاضر شد

معلم آنها نهایت سعی و وقت در مشق آنها دارد و در

حفظ و حراست سرحدات و حسن سلوک با رعایای آنجا

با کمال معقولیت حرکت می کنند

و یکروز نوشته اند که تجار شوشتری در پائیز سبزه خرید

مال التجاره بیسببی رفته بقدر پنجاه هزار تومان اجناس

فراگستان و هندوستان خریدند بودند چهار انکس

درین اوقات وارد محشره شده و بقدر بیت و

توقف نموده حساب داد و ستد خود را که با تجار

محشره داشتند مفروض نموده روانه شوش شده اند

کرمان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند از

امیرالامرا العظام محمد حسن خان سردار حکمران این

و کرمان انتظام کامل در بلده و بلوکات و طرق و

شوارع حاصل است و عسوم مالی آنجا از حصول

امینت و انتظام بدعای دوام دولت جاوید فرجام

قیام و اقدام دارند

و یکروز نوشته بودند که درین اوقات سید نصر

ضمان ابوالحسبی عالیجاه مرادخان را امیرالامرا العظام

سردارسان دیده بود چون بعضی اسبهای آنها

تلف شده بودند مقرر داشته است که بر کدام

داغ اسب خود را بپسند و چینی برسم انعام با آنها

بدهد که تهیه و تدارک خود را دیده روانه بلوک ایلی

بم بشوند

و یکروز قراریکه در ضمن روزنامه کرمان نوشته بود

عالیجاه سردار علیخان سیستانی بنا بر اظهار طاعت

و انقیاد این دولت قوی شوکت علیت صفیات

بلوچستان را نظم کامل داده و دست نظاول شهر

و قطاع الطرق بلوچیه بکلی از تاخت و تاز طریق و شوا

ست کرمان و سیره کوتاه گردیده است

استرآباد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند

در ماه مبارک رمضان رعایای کتول شخصی عروسی

کرده عروس او را از استرآباد رستاق می آورند

چند سوار از ظالیفه ضاله میوت ترکمان که اکثر اوقات

بتاخت و سرقت آن اطراف مبادرت می کنند

رعایای کتول بغرم دست اندازی آمده بودند ظفرین

وست بستیز و آویز کشوده چون رعایای کتول پیش از

اشراز نور بوده اند بر آنها فایق آمده و ترکمانان

مخذول و منکوب شده فرار کرده اند و سه رهن

از آنها بدست عالیجاه محمد صادق خان افتد و بکلی

آورده است

از قضایای اتفاقیه نوشته اند که طفلی در محله سبزه مشبهه که در بلده

بالای درخت رفته بوده است و بجزرد طفلی دیگر تعسک بجهت

شکار ظهور پر کرده در دست داشته است غافل از اینکه

آدم بالای درخت است تعسک را باندخت خالی کرد

تیرمان طفلن بچاره خورده فوراً افتاده و هلاک شده است

۱۴۵۰

اخبار دول خارجی

از قراریکه در روزنامه حسن الاخبار بمبئی هندوستان نوشته اند درین اوقات امیرالبحر کشتیهای دولت انگلیس با دولت چین که تابع دولت چین است بیادوستی و مودت گذاشته است و عهدنامه نوشته اند که دو بند را بنیاد برچنان بجهت اقامت و دادوستد کجا انگلیس معین باشد چون ولایت مزبور تابع چین است و اهل آنجا نیز بقانون اهل چین مالی دول خارجی بولایت خود راه نمیدادند درین اوقات که بزرگ کشتیهای انگلیس که در آن سمت است فرار عهدنامه گذاشته و کجا در آن ولایت در و بند را از آن اقامت و دادوستد دارند راه تجارت بانولایت مفتوح و منافع کلی عایدتجار و صاحبان کشتیها خواهد شد

دیگر نوشته اند که چند نفر از سیاهای حبش و زنگبار لاتاری بشرکت خرید و یک لک دالار برده بودند

دیگر نوشته اند که دولت فرانسه سه هزار ملیان فرانک که هر فرانکی سه هزار و پانصد دینار است برای ساختن راه آهن که کالسه بخار در آن عبور میکنند جمع کرده اند که در بعضی جایهای آنولایت که راه آهن ساخته نشده است سازند و ازین مبلغ یک هزار ملیان را دولت فرانسه داده است و دو هزار ملیان دیگر را سایر مردم از بخار و عنبره که شریک شده اند

دیگر نوشته اند که از دولت فرانسه بیت هزار فرانک و وظیفه بجهت عیال مثل سنت آرنو سر کرده کل قشون فرانسه

که در مملکت فرم نوشته بود و قرار داده بودند درین اوقات امیراطور فرانسه بیت هزار فرانک دیگر از خزانه خاص خود بر وظیفه مشارالیها افزوده است که چهل هزار فرانک بجهت عاید او بشود

دیگر در اخبار مزبور نوشته بودند که چون در مملکت ایرلند که جزو ممالک انگلیس است قیمت نان ترقی کرده بود باینجهت فی الجمله اعتناشی در آنولایت بود

دیگر در اخبار هندوستان نوشته بودند که غلام حیدر خان پسر امیر کابل که با چند نفر از معتدین با بلچی کری مامور شده بودند در ورو و با سجا از جانب حکمران پشاور کمال اعزاز و احترام نسبت با آنها بعلی آمد است از جمله دستها اول از قشون دوم توپچیان سواره و فوج بیت و چهارم خاصه پادشاه انگلیس و جناح فوج پانزدهم پیاده است و فوج اول سواران غیر نظام را بجهت احترام آنها پرده آورده و بنظام پیاده هر یک چهل فشنگ بجهت شلیک دادند

دیگر در روزنامه بمبئی که بتاریخ ۱۱ رجب سمت بخار یافته بودند نوشته بودند که جوای پشاور و آن صفحات اغلب اوقات ابر بود و کمیشیر بزرگ مملکت پنجاب در آن اوقات کتتر مزاجی داشته است

دیگر نوشته بودند که از دولت عثمانیه حسب الزمان اعلیحضرت سلطان عالیجاه محمد بیک پسر وزیر اعظم و عثمانی سلطان از اسلامبول مامور با قاضی پارس پای تخت دولت فرانسه گردیده و این اوقات بعلی ماموریت روانه شده اند

۱۴ ۵۱

از نیویارک سینکی دنیای شمالی تا بفلو که بیشتر از با
 فرسخ مسافت است پیغامی که مثل برده هزار لفظ با
 از سهیم چرخ آتشی فرستاده بودند در پنج ساعت و نیم
 که اگر میخواستند این ده هزار لفظ را در پنج ساعت نیم
 بنویسند بهتر می شد و بجای آن که در هند برای فرستادن
 خبر از نسیم مزبوره که واک صاعقه میماند میکشیدند
 کز آن می شده و راقم روزنامه حسن الاخبار
 حساب آنرا کرده است از فرار شش هزاره لفظ بیکروز
 شصت و نیت و پنج روپیه میشود

بزرگترین جهازات تجارتنی که در عالم است چهار سووم
 بنوری پیلک است که حال سه هزار و سیصد و
 طن است و جهاز مزبور را اول که ساخته بودند حال
 چهار هزار و چهار صد طن بوده است وقتی جهاز مزبور
 گرفته و آنچه از آن که از آب بیرون بود سوخت بعد
 او را دوباره ساخته هزار طن او را کم کرده و کوچکتر
 نمودند و هر طن عبارت از سه هزار و این ولایت است
 در روزنامه بیسی نوشته بودند که در احمد اباد هندوستان
 امالی آنجا از راه حسن بقرانه هزار روپیه بجهت زنان
 بیوه و اطفال تیم شکر بان انگلیس که در جنگها کشته
 بودند داده اند

دیگر نوشته اند که راه سهیم چرخ آتشی که در هندوستان
 ساخته اند در این اوقات تا آنکه با تمام رسیده است
 و تا سه ماه دیگر االی پیشا و ساخته خواهد شد و وقت
 از پای تخت لندن تا بیسی و از آنجا تا پیشا و در پیغام
 اندک مدت رفقه و جواب می آید

دیگر نوشته بودند که زنی هندوستانی در کلکتا درین
 اوقات فوت شده است که یکصد و شصت سال عمر
 کرده بود از اهل سرحدات که بیلاق میباشند این قدر
 عمر کردن غرابتی ندارد لیکن از اهل هندوستان که مردم
 کرمسیر اند باین سن رسیدن بسیار غرابته دارد

قرار اسب دوانی در مجبور میسسی را باین پنج نوشته اند که
 در روزی معین که سه شنبه چهارم فروردست چهار دسته
 اسب دوانی می کنند دسته اول شرط بر سر دو هزار
 روپیه است و بر اسپ بیست کل مهر و دو میل میدوانند
 و دفعه دوم بر سر چهار صد روپیه است و بر اسپ پانزده
 کل مهر و این دسته نیز دو میل میدوانند و دفعه سوم بر
 دو لیست روپیه و بر اسپ بیج کل مهر و یک میل و نیم میدوانند
 و دفعه چهارم بر سر سیصد روپیه و بر اسپ ده کل مهر
 و یک میل میدوانند

دیگر نوشته بودند که جهاز آتشی موسوم بمدرس با اجاب
 پای تخت لندن که در بیت و ششم فروری نوشته بود
 در هفدهم تاریخ از بندر عدن لشکر کشیده و در
 بیت و پنجم ماه مزبور وارد ممبسی شد و بود و از جمله
 اخباری که داشت این بود که لار دجان رسل که
 سابقا وزیر اعظم دولت انگلیس بود و بعد استعفا
 درین اوقات از جانب دولت انگلیس منصب وزیر
 مختاری مامور بوسیله پای تخت دولت استرلیه
 گردیده است

اخبار آخر که از بیسی بلندن رسیده بود در هفدهم
 ماه جنوری بوده است

۱۴۵۲

روزنامه قایم القایه بتاریخ یوم شنبه بیستم و هفتم ماه شوال المکرم سن ۱۲۵۳

روز ولایت سی و سه
قیمت روزنامه
یک نسخه ده شلر



منظومه دار اختلاف طهران
قیمت اعلانات
یک خط الی چهار خط یک شلر
بیشتر هر خط یک شلر

اجبار و احکام مالک محروم پادشاه

دار اختلاف طهران

نظر بخوبی هوا و صفا و خرمی امیر آباد در روز دوشنبه
اعلیحضرت شاهی تشریف فرمای آنجا گردیده تا
حوالی عصر تفریح و تماشای آنجا مشغول بودند و نزدیک
غروب آفتاب بارک مبارک سلطانی و مقرر سلطنت
مراجعت فرمودند

نواب بنیاد حسرت میرزا که این اوقات بدر بارک ایون
آمده بود شرفیاب حضور مبارک آنس شریاری شده
و مورد مرحمت ملوکانه کشته عرایض مستدعیاتی که داشت
همه را از راه مرحمت قبول فرموده و از راه عنایت بکوش
جبهه رسم خلعت بنواب معظم الله مرحمت شده
در نهایت امیداری بهمان مرحمت کردند

جناب جلالت نصاب موسیو بوده وزیر مختار و ایچی
دولت بهیه فریسه که امور بفرست در بار دولت
علیه ایران بود بعد از ورود به بندر ابوشهر که بر حسب حکم
اولیای دولت علیه لوازم احترامات از جانب کارگذاران

دیوانی آنجا نسبت بنجاب معزی الیه لعل آید از راه شیراز
عازم در بارک ایون شدند نواب مستطاب مؤید
حکمران مملکت فارس از جانب خود عالیجاه محبت
نجدت سیراه میرزا علی محمد خان را بهماننداری مامور نمود
جناب معزی الیه را با کمال احترام وارد شیراز کردند و در
شیراز مقرب آنخاقان علیخان سرتیب قراکوزلو که از
در بارک ایون بر رسم عهدانداری دولتی مامور پذیرائی
جناب معزی الیه بود ایشانرا پذیرفته در منازل عرض راه
از شیراز الی دار اختلاف لوازم عهدانداری و مراسم احترام
ایشانرا به عمل آورده تا روز شنبه بیستم شوال
در قریه بخشی آباد چهار در دولتی زده شده و عالیجاه
مقرب آنخاقان علیقلی خان افشار میرنچ و عالیجاه
سرتیب از جانب سنی بجوانب بجایون و عالیجاه خانبا
سرتیب از طرف جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم
عالیجاه میرزا غفار خان نایب دوم وزارت امور خارجه
از جانب جناب وزیر امور خارجه و عالیجاه محمود خان

۱۴۵۳

عراق سلطان آباد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته بودند در یک ماه مبارک رمضان عالیجاه مقرب انخاقان میرزا حسن خان سبقت حصول دعا کونی ذات اقدس هالیون شایستهی هر شب جمعی از علما و سادات و تجار و کسبه و غیره راه بسی چهل ضیافت دعوت نموده مجلس روضه خوانی بر پا کرده و علاوه بر آن سبجه فقرا و مساکین هر شب سی من سبج طنج نموده و تمام لیالی خصیام را بهین منوال معمول داشته و شبهای احیاء را هم در دیوانخانه بزرگ دولتی تعزیه نموده و اطعام فقرا و مساکین کرده است

دیگر نوشته اند که روز بعد از عید فطر که مژده خلعت افتاب طلعت هالیون که سبجه مقرب انخاقان میرزا حسن خان مرتب شده رسیده بود با جمیع اعیان و اشراف و امانی ولایت با استقبال خلعت هالیون شتافته لوازم توقیر و احترام بعل آورده و خلعت مبارک را زیب برود و شش اعیان و افتخار خود ساخته و جمیع اعیان و امانی آنجا مبارکبادی لوازم شکرانه و شادمانی را معمول داشته اند و نیز محفل احترام خلعت هالیون اساس جشن و چراغانی برپا کرده روز دیگر سبزه و صاحب منصبان با لباس نظام مبارکباد داده

دیگر نوشته اند که امسال زراعت کل ولایات عراق بسیار خوب و بهتر از سالهای دیگر بعل آمده است مگر چند پارچه از فرامان و شراره و کزاز که تکرک زده اوست بمحصل انجام است میوهجات سرد رختی را نیز در اول بهار سرما زده و ضایع کرده سوای انکور که در همه جای یاد و بسیار خوب بعل آمده است بطوریکه تمامی کل میوهجات که سبز زده بود کرده است

و که خدایان شهر مستقبلین بسیار از غلام و غیره استقبال جناب معزی الیه رفته و با احترام تمام وارد سفارتخانه خود شدند و آنطور احترام که لازمه پذیرائی سفر بود و موافق تشریفات بطور کامل در حق جناب معزی الیه بعل آمده در پنجشنبه بیستم ماه فروردین مقرب انخاقان محمد حسن خان پونجی نایب الیشک آقاسی باشی از طرف بهی الشرف هالیون رفته جناب معزی الیه و اجراء و صاحب منصبان سفارت را بحضور اقدس هالیون دعوت نموده موافق تشریفات معمول ایشانرا بشکایتخانه مبارک وارد کردند و از آنجا امیرالامرا مقرب انخاقان محمد ناصر خان ایشک آقاسی باشی برسم معمول جناب معزی الیه و صاحب منصبان را با نامه علامه و مجلس خاص شرفیاب بزم حضور هالیون سا و طرز آداب و اطوار جناب معزی الیه در پیشگاه حضور هالیون درجه ارتضا پذیرفت چنانچه سرکار اقدس در نهایت میل خاطر با الفاظ علییه و خطابات سینه جناب معزی الیه مورد نوازشات ملوکانه فرمودند و بعد از مرخصی از حضور مبارک بلافاصله با افراد صاحب منصبان بلاقات جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم رفته بعد ادای مکالمات محبت آمیز بجهان ترتیب که آمده بود معاهدت بقرار سخانه نمودند روز دیگر جناب اشرف امجد ارفع ایشانرا باز دید کرده لوازم دوستی و محبت بعل آوردند و روز شنبه بیت و دوم جناب معزی الیه رسیدن جناب نظام الملک آمده و روز یکشنبه بیستم جناب نظام الملک باز دید ایشانرا بعل آوردند

سایر ولایات

۱۲۵۲

فارس

از قرار یک در اجنار کرسیرات فارس نوشته بود
 در کله و ار که بلوکیب در او اخر کرسیر مرض طاعون
 عارض شده و جمعی از اهل انجا را هلاک کرده است
 چون بجای دیگر سزایت نکرده است امید واپس بوده
 که از انجا هم بزودی رفع بشود و ابستطاب شاهزاده
 و الایامون الدوله طما سب میرزا حکمران فارس قرار
 گذاشته اند که در دو منزلی یا یک منزلی کله دار گردان
 گذاشته هر کس که از آن سمت می آید هفت روز نگاه
 داشته بقاعده که اختیس و در بدین بعد از خاطر جمعی
 مریخص کنند که خدای نخواست این بلیه بجای دیگر
 نماند

دیگر نوشته بودند در شب عزمه سوال از قضایای انصاف
 آتش بخانه عالیجاه مقرب الخاقان میرزا انیم افتاده معلوم
 که بعد کسی انداخته باشد یا سهوا آتش گرفته باشد
 با بچه ضرر بسیار الیه رسیده است اگر چه سر باز
 و غیره اتهام در خاموش کردن آتش نموده اند ولی
 سفید بختاده و آنچه آلات خشتیه بوده است از آتش
 و دروب و سقف شیردانی و غیره همه سوخته است
 و مقرب الخاقان شجاع الملک و عالیجاه محمد ابراهیم خان
 سر تیب با جمعی قریب سه هزار نفر جمعیت آتش را منجم
 اغلب جایهای عمارت را خراب کردند که سزایت سکا
 دیگر نکرد خاصه که قورخانه هم نزدیک بهمان عمارت بود
 و ازین خراب کردن طوری شد که آتش بقورخانه
 نرسید

از جمله غرایب امور که نوشته بودند در یکی از دیات خود
 شیراز که قریب شهر است و دهی دیگر که در میان حومه
 و بلوک کرمان واقع است در وقت حاصل در یک هفته
 سه دفعه بلخ حاصل انجا ریخته بار اول یک روز و بار
 دوم دو دفعه ثانی و ثالث دو شبانه روز در میان حاصل
 بوده است سجدی که هر سبیلی البته بیت بلخ منجا و در آن
 از تفصیلات خداوندی مطلقا اسیب و ضرری بجای
 نرسانده اند و این از غرایب امور است

دیگر نوشته اند که شخصی مدتی مشغول سرفت بود و از خاینها
 مردم اموال بزودی میرزد درین اوقات دستگیر کرده
 نواب مویز الدوله حکم حبس او نمودند اما اموال مسروقه
 از او استرداد شد بعد بفرای عمل خود برسد

افواج قاهره متوقف شیراز از قرار یک نوشته اند
 همه روزه مشغول شو میباشند و کمال انشطام را
 دارند و نواب مویز الدوله در رساندن حیره و هوا
 آنها کمال اهتمام را معمول میدارند

دیگر نوشته بودند که تغییر اجناس در آن ولایت
 رو به تنزل است با اینکه قلت محصول و نهور آفت در
 امر زراعات انجا حاصل بوده مع ذلك سجد الله روزی
 جنس رو به تنزل بوده است

اسهال

از قرار یک در روزنامه اسهال بود نه نهایت است
 و ارزانی و وفور نعمت در انجا حاصل است و بخلاف
 ایام سابق که قطاع الطریق در آن حول و حوش بال
 رواتر و قوافل دست اندازی میکردند درین اوقات

۱۲۵۵

کوکشت یک من و پنج سیر یک هزار دینار	دست تطاول سارقین بجلی کوتاه گردیده و کمال
یک من پانزده شاهی	امیت در راههای آنجا حاصل است و عالیجا خان
یک من دوریال	براقبت و سعی تمام در انتظام امر آنولایت دارد
یک من ده شاهی	پنج نفر سوار فراسوران بمحافظت راه اسدآباد معین
یک من هفت هزار دینار	گرفته است ده سوار آنجا همیشه در سرگردنه اسدآباد
یک هزار چهار هزار	میباشند و پانزده سوار دیگر در راهها مشغول حفظ
سه من هزار دینار	هستند که زوار و قوافل را صحیحاً و سالمآب منزل میرسانند
سه من هزار دینار	و چایخانه اسدآباد را نیز بر حسب حکم اولیای دولت
یک من و نیم هزار دینار	تعمیر و بتانی خوب نموده و امور آنجا را همه بمصوب
پنج قطعه هزار دینار	و منتظم دارد
هشت من هزار دینار	دیگر نوشته بودند که در ماه مبارک رمضان بقدر کسالت
یک من ده شاهی	تکرک بسیار شدیدی که برداشته آن بقدر کرد و بی
سه من هزار دینار	بوده است در آنجا آمده و بسیاری از محصول میده
کنکار	
از قراریکه در روزنامه کنکار نوشته اند درین اوقات	بافات راضایع و تلف نموده است خصوصاً باغی
زوار بسیار از اطراف ابد بعببات عالیات میروند	مشهور بشهراب را که در دامنه گردنه اسدآباد واقع
و تخمیناً روزی پنجاه شصت نفر باعببات میروند بامر	صرب بسیار زده است و بدو سه قریه نیز کاشیش حشرات
کرده می آیند و عالیجا حاجی محمد علی خان افشار در انتظام	و خراب رسانده است و لکن محصول سایر دماغ
حقوق و شوارع آنجا است تمام زیاد دارد و شهباز	نگرده است و غله سجد الله در آنجا بسیار خوب فراوان
و تفنگچی بسرا بهار روانه می کند که زوار و قوافل را	و بیشتر از سالهای دیگر آمده است با اینکه امسال کمتر از
با سود کی عبور بدینند با اینکه نوشته اند درین روزها	سواد سابق نیز کاشته بوده اند آنجا کاشته شده
و قطاع الطرق از جماعت لرستانی در آنجا بسیارند	چینی خوب بجهل آمده است و تعمیر اجناس آنجا را که لو
لکن از حسن مراقبت و اهتمام عالیجا مشارالیه که اوم	بودند از اینقرار است
سجرات گذاشته است دزدان نمیتوانند دست انداز	کندم بکنک معمول آنولایت یکجزار چهارده هزار دینار
بمال زوار و مترودین نمایند	جو یکجزار یک تومان
	نان یکجزار دو تومان

۱۴۵۶

تفسیر جناس در اختلاف طهران درین مفتی از اینقرار است

روغن پراغ یک من یک هزار و پنصد و سی و هفت
قد بزوی یک من چهار هزار و سیصد و بیست و نه
قداری یک من هفت هزار
بنات یک من پنج هزار
شکر یک من سه هزار و سیصد و بیست و نه
بل یک من بیست و یک هزار
مینجک یک من چهار هزار
دارچین یک من یک تومان
فلفل یک من چهار هزار و سیصد و بیست و نه
رغفران دو سیر دو تومان
زیره یک من سه هزار
رز و جوب یک من دو هزار و چهار صد و بیست و نه
حلوبات یک من چهار هزار
آب لیمو یک من سه هزار
آبغوره یک من چهار صد و بیست و نه
سمرکه یک من دو صد و بیست و نه
باد سجان صد عدد دو هزار
خیار صد عدد نه عباسی
کرک بیت من چهار هزار و سیصد و بیست و نه
پیه کداخته یک من دو هزار
برنج رسی چهار من یک هزار و سیصد و بیست و نه
کشش سبز یک من یکریال
کشش طعام یک من یک هزار و سیصد و بیست و نه
منز با دام یک من چهار هزار
مور پسته یک من چهار هزار

کنم ساو جیداشی یکخوار سه تومان
کنم غریبه یکخوار دو تومان و سیصد و بیست و نه
جو یکخوار سیزده هزار و سیصد و بیست و نه
کاه یکخوار شش هزار و سیصد و بیست و نه
بیمه یکخوار نه هزار
سختو درسی یکخوار سه تومان و نیم
لوبیا یکخوار سه تومان و نیم
عدس یکخوار سه تومان و یکریال
ماش یکخوار سه تومان و نیم
ذغال یکخوار پانزده هزار
کرچک یکخوار پنج تومان
نمک یکخوار چهار هزار
شیره شهد چهار من سه هزار
روغن چهار من یک تومان
کک چهار من دو هزار و سیصد و بیست و نه
سختو فروینی چهار من دو هزار و سیصد و بیست و نه
برنج صبرلو چهار من دو هزار
نان یکخوار دو تومان و چهار هزار
ماست چهار من شش عباسی
پنیر شور چهار من چهار هزار
شمع یک من دو هزار و سیصد و بیست و نه
تبا کومی اعلی چهار من پانزده هزار
تبا کومی وسط چهار من دوازده هزار

۱۴۵۷

اخبار دول خارج

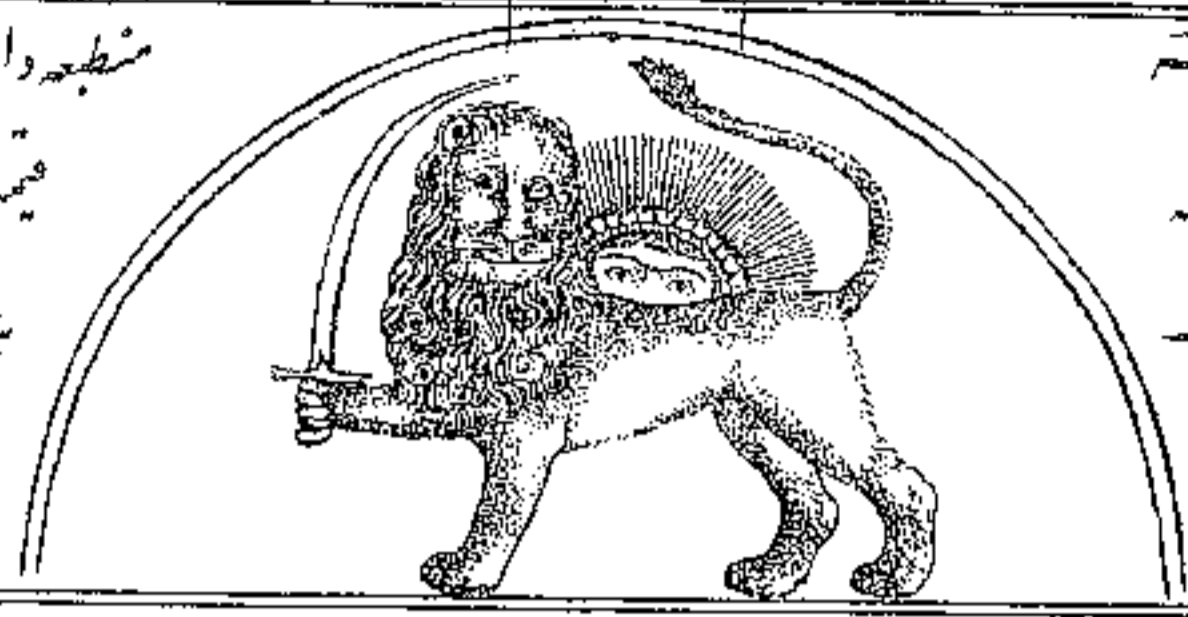
از فرار یک در روزنامه جریده الحوادث سراسر
 نوشته بودند راه سیم حرج اثنی سجد و ستان
 خبر که از واره و سنی در و بحق و پرکوی و بکرش
 سمت وینه و سایر دول فرنگستان قرار شده
 بود که کشیده شود درین اوقات از فرار خبری که
 از فرم آمده است راه مزبور از زیر دریا از واره
 الی فرم کشیده میشود و اسباب لازمه او قبل
 از انکلیس با کشتی بخار با سنجار رسیده از واره الی
 چور چند وسیله بالوقلو تا ایلیور کی مناسری نام
 این سیمها کشیده شده است بالجمله راههای مزبور
 در کمال استحکام تا اواسط ماه گذشته شعبان بانام
 رسیده و در ابتدای کشور شدن راه مزبور اخبار
 از جانب مرشل لاردرکلن سر کرده قشون
 سمت واره نمبسی بر سفارش رسیده و از
 اردوی انگلیس که در نزدیکی بالوقلو بوده است
 در مدت هجده ساعت جواب و سؤال شده
 و در سه ساعت از در سعادت اسلامبول الی
 لندن مخا برده آن محقق گشته است و این راه
 سبب مخا بره جناب لاردرکلن سر کرده قشون
 انگلیس و جناب ژنرال فارو بر سر کرده قشون
 فرانسه معین است و بغیر از اینها کسی ماذون
 که ازین راه اخبار نماید
 از فرار یک در روزنامه احسن الاخبار نمبسی نوشته
 واکتر سیر که یکی از نامورین انگلیس دانشایر طبای

۱۴۵۸

ماهر تر است در مهوره نمبسی اخبار و اعلان نموده
 که بر روز از ساعت دو تا وقت ظهر در خانه خود
 که در راسته ریمیت را واقع در قلع نمبسی است
 بمعاجزه دندان مشغول است و مقرر داشته است که
 اجرت آن را از آنچه سابق میگردم تخفیف
 واکتر بکیرد امدا دندان نو تمام در طلا یا در نقره نشاند
 یا از استخوان از حال نمبسی سابق در
 نماید و کار زرگری آن بعد و استمام یکی از زرگرها
 خوب اولایت است و قیمت متعارفی این است که
 برای کشیدن یک دندان پنج روپیه و برای
 جاسجا کردن دندانها و صاف نمودن آنها بمقدار
 اوقاتی که صرف آن میشود از ده روپیه الی سی
 روپیه و برای ساختن تمام دندانها موافق قیمتی که
 معین شود و لوج ساختن برای تمام دندانها نیز
 بموجب قیمتی که مقرر شود و واکتر صاحب مزبور
 کامی روزها را بغیر از ساعتی که مذکور شد بکلیت
 و لجه است مشغول است و اخبار کرده است که هر گنا
 مرضی باشد با و رجوع نماید که در صحت آن است
 حدقت و مهارت خود را اظهار سازد
 دیگر نوشته بودند موافق اخباری که از لندن پای
 انگلیس رسید دولت انگلیس سوای توپهای بزرگ
 و کوهک که در بند و ستان دارند بنا داشته اند
 که سه هزار توپ بزرگ و کوهک نیز تازه ساخته
 از انجا بمشغول باشند

روزنامه و قایق انقلاقیه پنج پونم چهارم مهر و یعدده ستم مطبوع سال شانزدهم

نمره یک برود
قیمت روزنامه
هر نسخه ده شبر



منطبه دار انخلاق طهران
قیمت اعوانات
بر سطر پنج شبر

اخبار واحداث مالک محروسه پادشاهی

دار انخلاق طهران

چون هوای دار انخلاق طهران درین اوقات که آیام گرم گردیده و سیاق نیاوران و سفیاشیران مطبوع خاطر اقدس هایون بود لهذا در روز پنجشنبه ۲۷ ماه شوال موکب هایون تشریف فرمای نیاوران کردند و چند روز در آنجا توقف خواهند فرمود بعد از آن بسبت لواسان و سیلاق لاغریت شکار میفرمایند و جناب امجد اشرف ارفع صد اعظم سجدت انجام بعضی مقامات دیوانی دو سه روز در شهر متوقف بودند و بعد از فراغت از امور مهمه در روز پنجشنبه موکب هایون پیوسته در وقت حرکت موکب هایون بسبت لواسان و لار ملزم رکاب سیروری انتساب مستند نواب مستطاب شادزاده و الیباراد و حکمران دار انخلاق طهران و مقرب انخاقان میرزا موسی درین اوقات که موکب هایون در نیاوران تشریف یافتند پیش از سابق با مورجمبور خلق رسیدگی دارند امنا دیوانی

سبار که حب الام مقرر است که کماکان در اطاق دیوانه هر روزه تا عصر نشسته بفرایض و مطالب مردم رسیدگی نمایند و همچنین چند نفر از مشوخیان عظام و لشکرکشان کرام ملزم رکاب هایون و مابقی با عالیجا مقرب انخاقان میرزا رحیم پیشینت و محصل محاسبات مقرر است که هر روز در دفتر خانه مبارکه جمع شده بتفریح محاسبات معانات دیوانی مشغول باشند و هم چنین صاحب منصبان نظامی حضرت فرجام در مشق احاد و افراد کوچکی و سرباز همه روز کمال مراقبت و مواظبت را بعلم می آورند و خلاص حسابی احدی ناشی و صادر نمی شود امور دفتر خانه و جنبه خانه و دارالفنون همه جهت منظم است و بطمین و تعلیم دارالفنون و صاحب منصبان دفتر خانه و جنبه خانه هر کس در سرکار و خدمت خود میباشد عالیجا محسود خان کلاتر و کلاتر معانات و نظام و اول خانها هر یک در انجام خدمات محوله بنحو ادبکامات کافی معمول دارند

۱۴۵۹

اقدمس کابون شاهنشاهی و منظور اولیای دولت علیه
 شده بود لکن پس از احضار شدن برکات مبارک
 درین اوقات از جانب سنی احوال طوکانه با عطا
 نشان اول و حایل میرنجه کی و خلعت هر طاعت کابون
 قرین بهاخرت و امتیاز کردید

امور دارالخلافه طران بهرجه قرین انظام و الصیاط
 و کنی مرکب خلافت نمیتواند بشود و اگر احیاناً تاسی
 اتفاق بقصد سارق دستگیر و تبه و اموال مسروقه
 استر داد و بصاحبش تسلیم میشود از جمله مالی از مقررات
 میرزا جعفر خان شیرالدوله در شاهزاده عبدالعظیم
 کرده بودند و در اوقاتی که موکب کابون مسوز نسوز
 میلاق نیانوران نشده بودند بلکه مال مسروقه پست
 بود درین اوقات سارق با اتهام مقرب الخاقان
 وزیر دارالخلافه طران و توابع پست آمد چون بعد
 اموال را تلف کرده بود آنچه موجود بود و بعضیها
 و آنچه تلف کرده بود قیمت آن از او دریافت
 و سارق بجهت استرداد اموالی دیگر که در دیده
 در حبس است

وزیمه گذشته و نفرز و آرکیلانی از زیارت مسجد
 مقدس مراجعت کرده در سا و جبلع مال آنها را بر
 بودند مراتب بعضی نواب مستطاب هزاره و الای
 اره شیر میرزا حکمران دارالخلافه طران و توابع سینه
 از فراسوزانهای سا و جبلع حکا و زده راهو هستند
 فراسوزانها نیز حسب احکام رفته سارقین را پیدا کرده
 چون مال را فروخته بودند پنجاه تومان قیمت آن دریافت

چون مراتب اتهامات نواب مستطاب هزاره و الای
 مؤید الدوله طکاسب میرزا حکمران فارس در انجام خدمات
 دیوانی و فرستادن بیت هزار تومان مالیات اقسط
 جوزا و قبل فرستادن دولت هزار تومان از مالیات
 هذاه السنه فارس بدربار کابون مشهور و خاطر احوال
 کردید درین اوقات از جانب سنی احوال طوکانه
 یکتوب جنبه ترمه رنجیره و درجه نواب معزی الیه رحمت
 و هم چنین مقرب الخاقان میرعلیخان شجاع الملک در
 خدمات مزبوره اتهامات کامل بعین آورده مراتب مستطاب
 او سخن و مطبوع خاطر خطیر طوکانه افتاده یک نوبت
 کرامانی خوب از طبوس بدن مبارک بجهت مزید افتخار و
 مباحات مقرب الخاقان مشار الیه رحمت کردید

نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا در انظام امر بندر عباس
 مراتب جان نثاری و خدمتگاری خود را معلوم و مشهور
 خاطر خطیر خسروانی داشته و درین اوان که موسم شد
 کرامی بندر مزبور و آن صفیات است و زیت در انجام
 کمال صیوبت را دارد محض امثال امرا و لایای دولت
 در انجام توقف و شمول انظام امور آن صفیات پست
 خدمات نواب معزی الیه زیاده حسن و مقبول افتاده
 درین اوقات حسب الاشارة العلیه منصب جلیل سیری
 سرافراز و در ازای منصب مزبور یک نوبت جنبه ترمه بجهت
 نواب معزی الیه خلعت رحمت کردید

چون عالیجا مقرب الخاقان علیعلی خان میرنجه در سفر
 ماموریت خراسان مصدر خدمات کتبه کرده و
 اتهامات او در انجام خدمات محوله مشهور و خاطر

۱۴۶۰

بصاحبان مال تسلیم گردید

چند نفر لذت و زور و محله حاج شهر با یک نفر صادق نام
فرستاد سفارتخانه انگلیس شرب و شرارت کرده بودند
آنها را گرفته تیر و مقرب انخاقان میرزا موسی وزیر و
اوروند صادق نام را تیر و مقرب انخاقان عضو الملک
فرستاده و آنها را و بکر اور میدان ارک تبیه مضبوطی
که عبرت دیگران بوده کسی دیگر مرتکب شرب و شرارت
و اعمال ناشایست نشود

مقرب انخاقان میرزا موسی از اول صبح الی یک ساعت
گذشت در ارک مبارک که چاشنی و بعد از آن بجهت اینکه
و مطلبی اگر داشته باشد سید کی نماید بخانه خود میرود

امور است قضوی

مقرب انخاقان محمد خان میر پنج حسب الامر برای نظم
ارک مبارک و عمارت سلطانی و قراول خانهای
و میدان مشق و عمل قورخانه و جبهه خانه و امور نظامی عساکر
قاهره من جمیع الجاهات مانور است که مراقب بوده و تنظیم
و آنچه از اهل نظام خلاف قاعده ناشی و صادر شود مقرب
میرزا موسی وزیر در انخلاط طهران بهیچ وجه ملامت کرده خود
میر پنج تبیه نظامی نماید و همه روزه جمیع مباشرین امور
روزنامه میر پنج بدیند بار و وی همایون بفرستد خود
مقرب انخاقان مشارالیه روزنامه اوقات در تالار
جناب امجد اشرف ارفع افخم صدر اعظم مراقب امور
مرجوعه بوده شبها هم در عمارت عالی سلطانی
حاضر

فوج طهران جمعی مقرب انخاقان محمد رضا خان سر تپ که

دار انخلاط شده بودند در کمال نظم و ارادتگی وارد
شدند روزیکه سرکار قدس همایون شاهنشاهی بنیاد
تشریف فرما میشدند فوج مزبور را ملاحظه فرموده و التفات
کامل در حق سر تپ مشارالیه مبذول و انعام و محبت
فوج پانزدهم شقایق جمعی مقرب انخاقان ابو الفتح خان
سر تپ که احضار در انخلاط شد بود و در حسب الامر
همایون با کمال نظم و ارادتگی با مورس اخلاط حاضر شدند

مقرب انخاقان پاشا خان سر تپ حسب الامر با مورس
خود با کمال نظم و ارادتگی با مورس حاضر شدند

فوج بندپی جمعی عالیجاه نصر الله خان سر تپ که احضار
شده بودند حسب الامر با مورس اخلاط صفهان شده انعام
با نهایت محبت گردید

فوج تخمه قاپوی قراجه داعی جمعی عالیجاه محمد علیخان سر تپ که احضار
دار انخلاط شده بودند با کمال ارادتگی با مورس اخلاط فارس
پارزه عراده توپ با قورخانه که لازم داشتند حسب الامر با مورس
که به بندر ابو شهر پروند

چهار عراده توپ با قورخانه که لازم داشتند با مورس
شدند

عالیجاه کلب حسین خان نایب اول اجودان باشی موافق فرمان
همایون بنصب طویل تپسی قورخانه مبارک که سرافراز گردیده
جبهه ترمه از جانب سنی احوال قدس همایون با
مرحمت شد

۱۲۶۱

عراق سلطان آباد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند
 دولتی سلطان آباد را مقرب انخافان سرزبان
 بنا و عمده که استه خرابیهای انجا را خوب تعمیر کرده
 و بسیار بشکوه و رونق و آبادی انجا افزوده شده
 خاصه میدان خاج شهر و سردری انجا که کمال سکوه
 و صفارایم رسانده است و همچنین قنات و قعی
 سلطان آباد را محض حصول دعای خیر بجهت ذات
 اقدس بجا یون داده است تنقیه کرده اند بطوریکه
 آب بگل شهر کفایت می کند و عسرتی که مالی انجا در
 سواة گذشته از بی آبی داشتند که از نیم فرسخی آب
 بهر می آوردند رفع شده و اهل انجا زیاد از اینجی
 شاگرد عا کو پیاشند و همچنین دورشته قنات
 حاصله را نیز تنقیه مضبوطی کرده اند که کل باغات انجا
 ازین دو قنات سیراب شوند

دیگر نوشته اند که آنچه از فوج کراز ما مورستان انجا
 و متوقا بود یا با فوج و عالیجاه عینیقی خان رفته بودند
 الی دو تیم شهر سوال همگی کسر انجا با تمام مقرب انخافان
 میرزا حسن خان گرفته شده بخدمت ماموره
 روانه گردیدند

دیگر نوشته بودند که مقرب انخافان مشارالیه در
 حصول امنیت و انتظام ولایات عراق اهتمام کمال
 بعل آورده و عموم خلق انجا احسن سلوک مردم دار
 او کمال رضامندی و شکرگذاری دارند

کنکار

از قراریکه در روزنامه کنکار نوشته بودند رعایت
 انجا امسال بسیار خوب آمده است و جو را در کام
 در و کردن بوده اند و االی و رعایای انجا با کمال سواد
 و رفاه بکار و کسب خود و دعای دولت قاهره
 دارند و عالیجاه محمد علیخان بازواری که از هر ولایت
 با انجا آمده روانه عبات عالیات میشوند با نهایت
 معقولیت رفتار کرده اغلب سبها محترمین زوار را
 صیافت کرده و بفقرا و اهل استحقاق بقدر معذور
 خرجی داده روانه نمایند

دیگر نوشته بودند که شخصی از اهل کنکار و میان خزل
 بشکار ماهی رفته بود در رودخانه بزرگی که از انجا
 دام انداخته ماهی بسیار بزرگ بدام او افتاده بود
 که زور صیاد نرسیده بود او را بیرون بیاورد
 و ماهی زور آور شد صیاد را بیان آب کشیده بود
 نزدیک بوده است غرق کند صیاد فریاد بر آورده
 چند نفر بآید او آمده بودند و او را با دام و ماهی بیرون
 کشیده بودند ماهی بسیار بزرگی بوده است که پانزده
 من وزن داشته است

دیگر نوشته بودند که بر حسب حکم اولیای دولت قاهره
 مقرر شده است که چاپار خانهای مالک محروسه را
 تعمیر و درست نمایند از جمله چاپارخانه کنکار و راه عالیجاه
 محمد علیخان بوصول آگاهی و ورود میرزا محمد علی علام حجاب
 واده است بنائی کرده و سفید کاری نموده در کمال احکام
 درست کرده اند و امر چاپارخانه انجا نهایت انتظام را دارند

اورد باه بجان

از قساری که در روزنامه دار السلطنه تبریز نوشته
 از تفصیلات الهی و بمن طالع فسردی مطالع سرکار
 اعلیحضرت شاهی نهایت ارزانی و ائیت دو نعت
 در انولایت حاصل است و نواب مستطاب هزاره
 و استبار نصرت الدوله و مقرب انخافان قائم مقام
 در انتظام امور ولایت و رفاه و آسودگی نوکری
 اهتمامات کافی معمول داشته اند و مقرب انخافان
 قائم مقام بعد از ورود بتبریز قرار داده است از
 ایام هفته دوروز در اطاق نظام نشسته از طلوع قیام
 الی غروب بکار آحاد و افراد نظام رسیدگی مینماید
 و دوروز هم در دیوانخانه مبارک نشسته بکار
 رعایا و عرایض و مطالب آنرا غوررسی میکند و
 از نوکر و رعیت عرض و مطلبی داشته باشد درین
 چهار روز بدون مخالفت و مزاحمت نیز و مقرب انخافان
 مشارالیه رفته حواجج خود را صورت انجام میدهند
 و شبهای جمعه را نیز فحص حصول دعاگویی بجهت وجود
 مبارک سرکار اقدس عالیون شاهی مجلس
 تعزیه داری و منسیافت برپا داشته و علما و فضلا
 و سادات و اعزّه و اشرف و اعظم و اعیان در هر
 جمعه جمعی دعوت شده بمجلس فرمود حاضر میشوند
 و بعد از فراغت از روزه خوانی و منسیافت در میان
 مجلس اعزّه و اشرف هر کس مهی داشته باشد
 رسیدگی میشود حکام جزو اذربایجان نیز که اسراره
 مقرب انخافان مشارالیه از دربار عالیون رفتند

بر یک مجلس ماموریت و مقر حکومت خود رفته مشغول
 انجام خدمات مرجع میباشند و سایر مباحث
 و چاکران دیوانی هر کس با انجام خدمات معموله خود
 قیام و اقدام و امور انولایت از هر جهت فرین نظام
 مالی نظام نصرت فرجام از توپچی و سر باز همه
 و رسیدن ان مشق حاضر کردید و مشغول مشق نظامی میباشند
 و از جانب صاحب منصبان و معلمین کمال اهتمام در مشق
 و انتظام امور آنها بعمل می آید و چشم بین امر مشغول
 در نهایت انتظام است و که خدا بان و مستخفین محکمت
 و نظام قراول خانها نهایت مراقبت و محافظت را
 از کار و انسران و بازار و دکانین و غیره بعمل می آورند
 و اگر بندرت سیر قبی اتفاق بیفتد سارق بدست
 قبی و اموال مسروقه است و داد و نصیبش نسیم
 میشود و کسی مرتکب شرارت و خلاف میسازد
 بشود و عموم خلق در عین رفاه و آسودگی بکار و
 خود و دعاگویی و وام دولت جاوید مدت علیها
 دارند و چشم پس امور طرق و شوارع سرحدات
 از مراقبت و مواظبت نواب شازاده نصرت الدوله
 و مقرب انخافان قائم مقام و اهتمام سایر چاکران
 دیوانی ائیت و انتظام کماض دارد و مستحفظ و حرا
 در هر یک از طرق و شوارع مامور و مشغول حفظ و حرا
 عابرین و مسرودین مستند و فوائد کمال آسود
 و الطینان از منازل و طرق عبور و مرور مینمایند
 و بعضی اشعار و قطاع الطریق که دست اندازی بالعبان
 میکردند در این اوقات دست نظا و ل آنها بکلی کوتاه گردیده است

۱۴۶۳

برو جرد و عربستان

از تشریح که در روزنامه این ولایت نوشته بود
 نواب مستطاب شاهزاده والا بتبار چشم الدوله
 برو جرد و عربستان ولرستان و خبثباری در
 امور ولایات ابوالجهمی خود کمال مراقبت و اهتمام
 داشته اند و از هر جهت آسودگی و امنیت برای نوکران
 حاصل است و بکار نظام رسیدگی کامل دارند از جمله
 در ماه گذشته فوج عالیجاه ولیخان مرتب را دسته
 به حضور فرموده و یک یک رسیدگی کرده
 داده اند که ملبوس فوج را در کمال ایجاز تکمیل
 و از تفکمای فوج مزبور هر یک نقص و شکستگی
 در میدان عمارات دیوانی استادان چگونگی
 و مذاق سازشاند مشغول تعمیر هستند و اگر
 از محلی فوت شده با افزاری بوده است عوض آنها
 سرباز خوب گرفته اند

دیگر نوشته بودند که در دوم ماه شوال چهارصد نفر
 سرباز ابوالجهمی عالیجاه خسرو خان مومین و
 ایوبی بودند که سرباز قدیم لرستان هستند و با کمال
 صداقت خدمت می کنند و در برو جرد شدند
 نواب شاهزاده چشم الدوله کارهای آنها را
 انجام داده اند که بعد از تکمیل ملبوس و تفکیک
 و سایر ملزومات مأمور و روانه بجهت پرو و بال
 شوند

سوارهای باجلان و خبثباری ابوالجهمی مقرب انخافان
 نور محمد خان دسته بدست و در برو جرد شده اند

و از سان نواب مستطاب چشم الدوله گذشته
 مقرب انخافان نور محمد خان مشغول انجام کارهای
 سوازه مزبوره بوده است که اسب و اسلحه آماده
 شده و مویشان عاید گردیده مأمور خدمت شدند

دسته بار احمدی ابوالجهمی عالیجاه خانجان خان
 دادن سان و گرفتن مواجیب با دسته عربان ابوالجهمی
 عالیجاه یوسف خان مأمور لرستان شدند که در خدمت
 نواب جلال الدین میرزا باشند و سایر دستجات
 بعد از انجام کار مأمور خدمت خواهند گردید

دیگر نوشته بودند که امالی برو جرد و لرستان در کمال
 آسودگی مشغول امر زراعت و عیسی خود هستند امور
 و داخل شهر در کمال انتظام و عموم امالی آن ولایت
 دولت جاویدت علیه استتال دارند و کمال فراوانی
 و لرزانی در آن ولایت حاصل است که مخر و اداری
 هزار و چهارده هزار است و سایر اجناس نیز
 از حیوانات و ماکولات بقاعده متعارف است

امور عربستان و سرحدات مخرد و غیره منظم و بسیار
 امور دیوانی آن ولایت هر یک در انجام خدمات
 سجد و کمال مراقبت و موافقت را دارند و سرباز
 ساخلو آن سرحدات همه روزه بشق حاضر میشوند و
 با نهایت نظم و قاعده حرکت می کنند و امالی آنجا
 رضامندی تمام از حسن سلوک و رفتار آنها دارند که
 خلاف قاعده از آنها ناشی و در میشود

۱۲۶۲

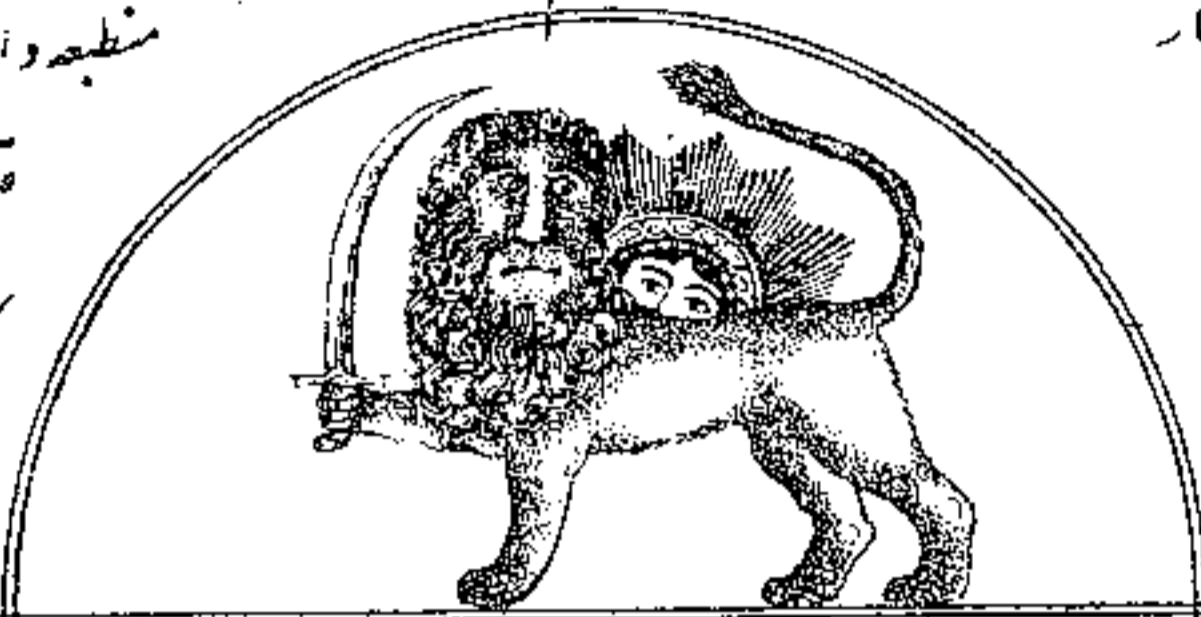
روزنامه قبايح نقايه سياح پوختن بازم باجته امطاسان شاهان ۱۲۷۱

مزه ديت وي و چهار

منطبه دار اختلاف طهران

قيمت اعلانات

بکسر پنجابر



قيمت روزنامه

یک نخود شابر

اخبار واحده مالک محروسه پادشاه

اردوی پایون

سرکار اعلیحضرت قوی شوکت شاهنشاهی که تشریف فرمای سلاق نیاوران گردیدند بجهت خرمی و صفای و اعتدال هوا که آنجا بر وجود مبارک بسیار خوش گذشته چند روز در آنجا توقف فرموده اند و بعضی از روزها اسوار بیاحت و تفریح اطراف تشریف فرماتده و طرف عصر بقصر سلطانی نیاوران معاودت فرموده اند

گذاشتند که بخرمنهای دیگر سرایت نماید و آنچه از خرمینها که سوخته بود و ضرر بصحابتان رسیده بود مقرر فرمودند که ختارت آنها را بر آورده نمایند آنچه شخصی کردید بجلاد و آن حالت عت وجه نقد بانها مرحمت شده و ظهور این عنایت سبب از دریا آمد واری و دعا کوفی عموم نوکر و رعیت کردید

یکروز بعد از ورود موبک پایون به نیاوران چند خرمین گندم و جوار غایبای نیاوران که در و کرده و خرمین نبود بودند از قضایای اتفاقیه آتش گرفته بود چون قصر سلطانی نیاوران مشرف بخرمنگاه است اعلیحضرت شاهنشاهی سوختن خرمینها را ملاحظه فرموده از راه رافت بجال غایب تمام سقایان و فرشتان سرکاری حکم فرمودند که بخرمنها رفته آتش را خاموش نمایند آنها نیز با جمعیت تمام بنجاموش کردن آتش اقدام نموده زود اظهار آن نایره را کرد

نظر بطور و فورم اجسم ملوگان در باره جناب نظام الملک و در روز شنبه گذشته اعلیحضرت شاهنشاهی بفرمایان منزل جناب معظّم الیه که در قریب نیاوران است و عارت و باغ با قضا و خوش روح ساخته شده است تشریف فرما گردیدند و از جانب جناب نظام الملک لوازم پیش و پای انداز و قربانی تقدیم شده و حسن کشیداری ایشان مطبوع و مستحسن خاطر اقدس پایون افتاد با عصر در آنجا تشریف دادند و بعد از صرف عصر به پای نیاوران مراجعت فرمودند

۱۴۶۵

دارالخلافه طهران

درین اوقات که موکب فیروز کوب ^{علینق} تایون ^{علینق} شامشای بہت سیلاقات شہر ان و لو اسان حرکت نواب مستطاب شاہزادہ افخم و الیبار و لعیہ دولت پاید ارحب الامرتایون در دارالخلافه طهران متوقف میباشند و اعظم چاکران در بارہایون بعضی از روزہا احد نواب معظم الیہ شرفیاب کردیدہ مورد التفات ^{علینق}

نظر بطور کفایت و شایستگی و کاروانی عالیجاہ میرزا ^{علینق} ستوفی رسیدگی امورات در ب خانہ نواب مستطاب شاہزادہ اعظم افخم و لعیہ دولت جاوید متبصر امر اقدس ہایون بعدہ عالیجاہ مشار الیہ مفوض گردیدہ کہ از روی صداقت و کفایت با امورات در خانہ نواب معظم الیہ ویرغذات موجود بجا و پروازد

در روز چہشنبہ چہارم اینجاہ مقرب الخاقان میرزا موسی وزیر دارالخلافہ و محمد خان و علیقلی خان میران بیچ و محمد رضا خان و جمعی دیگر از صاحب منصبان نظام شرفیاب حضور نواب مستطاب و لعیہ کردیدہ و مورد التفات ^{علینق} و در روز یک شنبہ نیز مقرب الخاقان میرزا زمان امیر ^{علینق} و عالیجاہان محمود خان کلانتر و کہ خدایان بقرار مقررتہ خدمت نواب معظم الیہ و مورد التفات ^{علینق} شد

چون در ماہ مبارک رمضان عالیجاہ حکیم پولاک معظم ^{علینق} ماہ قدران رفتہ و امر مریشخاہ کہ متعلق بشمار الیہ بود ^{علینق} شاگرد از مرتبہ اول کہ میرزا علیقلی و میرزا حسین ^{علینق} با و اگذار کردہ بود و میرزا علیقلی ناخوش شدہ رسیدگی

۱۴۶۶

امر مریشخاہ میرزا حسین انحصار یافتہ و خوب اندامیدہ برآمد و از قرار تصدیق عالیجاہ جعفر قلیخان سر تپ بہت نظر مریش سہرا با ہتمام و معالجہ مشار الیہ صحت یافتہ بعدہ دو طافہ شال از جانب سنی ابجواب بلوکانہ برسم خلعت مرحمت شد و پس از آمدن معتلم معالجہ و عمل بہ کہ در خارج مریشخاہ اتفاق افتادہ از ایام ^{علینق}

جوانی بسن سیزدہ و چہار دہ ہر ض استغای زرقی مبتلا شدہ بود اورا برزل نمودہ بقدر سہ من آب از خوف لظن او خارج کرد

ضعیفہ سرطانی در چشم از زیر مقلہ بقدر سیب درست بیرون آورده بود اورا نیز در کمال مهارت و تروستی در آورد

جوانی بی اورا کلولہ برودہ بود از جلد پیشانی او بقدر بیسی ^{علینق} نمودہ و بر محل بینی وصل کردہ تا مدت دو ہفتہ قطع شد و صحت یافت

شخصی مرض شقاق فلوکس شدیدی مبتلا گردیدہ و در غایت شدت و التهاب بود چہار انگشت بالائرا مفصل قدم قطع نمودہ تا یکجاہ صحت یافت

شخصی انگشت سبابہ او صدمہ خوردہ و استخوانش ورم کرده و ریمیم شدہ بود عالیجاہ حکیم آمدہ بمیرزا رضا ولد مرحوم حاجی میرزا مقیم تبریزی کہ از جملہ شاگردان ارشد از مرتبہ اول بود مجول داشت و مشار الیہ از ارباب مفصل شقاق قطع نمود و خوب اندامیدہ برآمد

معالجات دیگر نیز کہ از عالیجاہ مشار الیہ بطور رسیدہ ہفتہ آئینہ نوشتہ میشود

ایامی که موکب بیون شریف فرمای قصر قاجار و فرج چید
 شقاقی جمعی عالیجاه سرز صادق خان سرمنک قراول
 سزبازی یکبار علف چیده سرمنک را لیه گفته بود که با
 علف او را جستجو نمایند اگر از زراعت مردم چیزی چیده در
 بار علف پنهان کرده باشد او را قبیله نمایند و درین بین سرمان
 مزبور که در بار او غیر از علف چیزی نبود از دولتگی گفته بود که
 و یکران قاطر را با بار می برند و سرمنک بجهت یک خوشگند
 جستجوی بار علف مامی کند سرمنک در تمام تحقیق حرف
 برآمده شخص شده بود که پاشا سلطان و محمد قلی سلطان
 و اسکندر بیگ تکیب سپرو بر او را در دکان حاجی عباس
 سرابی چند پیشتر که حسب الاحضار بدار اختلاف می آمده
 در عرض راه قاطری با بار بست آورده میان خودشان
 قسمت نموده اند چون جدید بودند و حرفشان این بود که بار
 در راه پیدا کرده ایم فقط با خدا اموال مقسومه بقرار اقرار خود
 و اخراج دو نفر آنها اکتفا شد این روز پاشا سلطان
 مزبور که در منصب خود باقی بود با نجات کرده و نفر
 از سر باران خود را فراری قلمداد نموده و با طاعت بیست تا زنده
 فرستاده یکدفعه و قاطر سرفت کرده پاشا سلطان
 و دفعه دیگر الاغی در دیده و درین بین دستگیر شده
 صاحبان قاطر الاغ که محکماً نزد یک بهم بوده سر باران
 مزبور را گرفته خدمت اولیای دولت علیه آوردند سر باران
 بتفصیل مسطور اعتراف نموده بعد از تحقیق و غوررسی شخص
 که پاشا سلطان قاطرهای مسروقه را از دار الخلافه سنجاق
 فرستاده است چون اینگونه حرکت او و انگهی بعد از مقدمه
 ماضیه و اخراجی بنی اعوام بجایت جبارت و خلاف بود

علیهذا حسب حکم اولیای دولت علیه در حق او و سزبازی
 مزبور تبلیه نظامی بعمل آمده هیت قاطر با المناصف
 و خودشان هم از منصب نظامی و نوکری اخراج ابدی شد
 تا با سیرین نیز عبرت شده هرگز پیرامون خلاف
 بی نظامی مگردند

سایر ولایات

قره‌وین از قراریکه در روزنامه قره‌وین نوشته بود
 نوایب هزاره عبدالصمد میرزا و مقرب انخاقان حاجی
 که با سنجاق وارد شده اند امالی آنجا از اعیان و اشراف
 عالی و ادانی لوازم استقبال را بعین آورده اند و بواسطه
 شاهزاده و مقرب انخاقان حاجی حسنعلی خان کمال حسن
 سلوک و رعیت داری را معمول داشته و در حال
 عرض راه با سم سیورت جنه و دیناری مکر قبیله
 و رعایا از اینمضی زیاده راضی و شاکر و دعا گوئی
 اقدس بکانون شاهنشاهی بوده اند

مقرب انخاقان حاجی حسنعلی خان محض حصول دعای خیر
 بجهت وجود فایض اسجود بکانون شاهنشاهی تخواهی از خود
 که قنات و قبیله آنجا را تحقیق نموده آب او را بشهر قره‌وین جاری
 نمایند که امالی آنجا از بی ابی عبرت کشند و هم چنین قنات
 خالصه را نیز آدم کند است که تقیه نمایند
 در رعایای آنجا را نیز بیدار و مصالح الاطاک سعادت
 کرده است که مسئول زراعت و آبادی آنجا باشند
 از جمله غراب نوشته بودند که قطعی مرده از راه آب سپردن آوردند گله
 داشت و هر دو سرا و تمام بعضی ریزه داشته است اگر کسی از
 غلای اعیان و غیره او را تهاش کرده و دیده بودند

۱۴۶۷

خراسان

از قراریکه در روزنامه خراسان نوشته بودند به
 ایت و انتظام در امور آن ولایت حاصل است و بواسطه
 مستطاب شاهزاده افخم و الایثار فرمانفرما حکمران
 مملکت خراسان و مقرب انخاقان وزیر نظام کمال
 اهتمام در رفاه و آسودگی حال نوکر و رعیت دارند و
 رسیدگی و عوزرسی کامل با امور جمهور حلق خراسان
 می نمایند و امالی آن ولایت از اینمندی زیاده شاکر
 و عاکوی این دولت جاوید مدت علیه میباشند

حاصل آن ولایت از قراریکه نوشته بودند امسال
 از تفصیلات جناب اقدس الهی بسیار خوب عمل
 و بهر حمزنی نهایت و عوز را دارد و از قراریکه تعبیر
 اجناس آنجا نوشته اند کدم خرواری دو
 هزار و جو خرواری یک تومان و سایر اجناس
 بهین منظمه مقر است

جعفر آقای کلانی که منشاء فساد و مصدر آشوب
 صفیات مرو و آن اطراف بود و غالباً خان خجوق
 سحرک تباخت و تاز و لایات خراسان میکرد
 بعد از سگت قشون او رکنی و کشته شدن خان خجوق
 مشارالیه با آنها که از دم تیر و شمشیر کمر مشوره
 جان بگنجا بیرون برده بودند بخجوق فرار کرده بودند
 از فرار که نوشته اند بعد از ورود بخجوق سر او را در
 آنجا بریده اند

۱۳۶۸

دیگر نوشته بودند که حاجی میر اسحق نام جلگه رحمت
 ناگهانی مقتول ساخته بوده است متعلقان مقتول
 او را با عرض اقدس آورده بوده اند مراتب بعض
 نواب شاهزاده افخم و الایثار فرمانفرما حکمران
 مملکت خراسان رسید یک نفر لشکر از راه امور
 فرمودند که رفیق حسین بک ناگهانی را بیاورد
 تا قصاص فرمایند

دیگر نوشته اند که شخصی شابوری در استانه مقد
 رضویه بسرقت مبادرت کرده و در خفیه از درب
 ضریح قبر که نقره می کشنده است خدام سرکار فیض
 از عمل دزدی او مطلع گردیده بمقرب انخاقان وزیر
 نظام عرض کرده بودند او را فرستاده آوردند
 بعد از تحقیق و ثبوت تلبیه مضبوطی نموده و بعد
 اخراج ببلد کرده اند

امورات سرکار فیض آثار از اتهامات مقرب انخاقان
 وزیر نظام از بهر حجت و بهر حیثیت نهایت نظام
 دارد اغلب املاک موقوفه که بهر وجه در تصرف
 غیر درآمده و بخلاف حق حساب مالک و متصرف
 بوده اند مقرب انخاقان مشارالیه آنها را از
 بد غاصبین اشباع و منافع آنها را صرف تعمیر است
 روضه قبر که در مخارج خود سرکار فیض آثار بسیار
 چنانچه تا بحال بسیاری از جایهای صحن و ایوان و
 رواق را که تعمیر لازم داشته است داده و بحال
 تعمیر کرده اند

استرآباد

از قراریکه در روزنامه استرآباد نوشته بودند خبر بود
 پیشخدمت جناب نظام الملک که جهت جمع اوری خانوار
 متفرقه استرآباد رفته بود در انجام خدمت مرجوعه بخود
 کمال استقامت را بعمل آورده است و رعیتی که از اول
 جاوید مدت از مسکن و اوطان خود سنجارج رفته بودند
 همه را جمع اوری نموده و آورده به بلوک باشیها
 و قبض وصول آنها را گرفته با نهایت معقولیت و حسن
 سلوک حرکت کرده است بطوریکه هم رعایای مزبور
 با دلخوشی و امیدواری تمام با ماکن و اوطان خود آمده
 هر یک مشغول عیشتی و شغل و کار خود شده اند و هم
 مقرب انخافان محمد ولیخان بیکر بیکلی استرآباد و سایر
 امالی ولایت از نوگرو عیت منتهای رضامندی را
 داشته اند

کنده و یک اسب را نیز زخمی نموده بود جمعی اورا تهاش
 نموده بودند که شاید به نیز زده دفع نمایند ولی
 نرسیدند

دیگر نوشته بودند که سید طاووس نامی از ساکنان
 بنده استرآباد و اظایفه جعفر بای ترکان با سیرنی برده بود
 مقرب انخافان محمد ولیخان بیکر بیکلی مستخدم شده بود
 از محبوسین اظایفه مزبور به عوض سید مزبور فرستاده
 بود که اورا نکند قبول کرده بودند و ثانی نوشته بجهت
 عالیجاه محمد علیخان فوجردی نوشته بود که یک نفر از معتبرین
 اظایفه انابای را عوض سید مزبور بشهر سیاه و در مشا رالیه
 نیز از همان قرار محمول داشته یک نفر از معتبرین آنها را
 گرفته و بشهر آورده محبوس نموده بود آنها نیز لا علاج سید
 بشهر فرستاده آدم خود را بکشتن نمودند

دیگر نوشته بودند که چند نفر از اظایفه ضلعه ترکان با
 یک نفر سردار سچیه چاول بقرای کتول آمده بودند قراول
 انجا عالیجاه آقاخان را خیر نموده مشا رالیه با چند نفر
 پیاده بر سر راه آنها رفته در بیرون فرید با آنها برخورد
 شده بنای زد و خورد را گذاشته بودند در بین جنگ
 سردار آنها مقتول و ده نفر زخمی شده باقی تاب
 مقاومت نیاورده مخدولاً و مسکوباً مراجعت بکند
 کرده بودند عالیجاه آقاخان سردار را با اسب
 پراق او برداشته مراجعت کرده و مراتب را بمقرب
 محمد ولیخان نوشته بود او هم اسب و پراق سردار
 مزبور را بخود عالیجاه آقاخان بخشیده و خلعت و انعام
 نیز بجهت او فرستاده بود

دیگر نوشته بودند که در اوایل ماه شوال که بارندگی
 مطلوب بود باران بسیار خوب و بموقع در محال انزانی
 و آن اطراف آمد و اراضی آنجا را سیراب نموده رعایای
 انجا از جهت زراعت بسیار امیدوار شدند خصوصاً
 بجهت زراعت شلوک که نوشته اند فایده کثیری
 بارندگی حاصل کردید
 دیگر نوشته بودند که هم در آن اوقات کرکی دیوانه در کناره
 محله را بیکان پشت کوه پیدا شده پیره مردی را زخمی
 کرده بود که بعد از سه روز فوت شد و از انجا رفته
 یک نفر دیگر را زخمی کرده و از انجا بچین سور رفته صورت
 کی از جلو داران مقرب انخافان محمد ولیخان بیکر بیکلی را

۱۴۶۹

و هم چنین بصد نفر سوار از طایفه ضلّه ترکمان بجزم خیمه
 قریه یکی محله بیرون آمده بودند مستحقین معابر بر
 بجایجا محمد جعفر خان نایب الحکومه استرآباد اخبار نموده
 عالیجا هشار الیه در همان شب ملک رمضان که خدای
 قریه مزبور را اطلاع داده و قدغن نموده بود که جمیع معابر
 آنجا برده مشغول حفظ و حراست باشد مشایخ و اهل نیز با جمعی
 پیاده بر سر گذر مارفته از سر شب الی دو ساعت از
 روز رفته مشغول فراولی بوده اند و درین بین سواره کنگر
 رسیده پیادگان شلیک کرده یک نفر سوار را به
 پا و نفر دیگر بپیر زده از اسب انداخته بودند و مشغول
 گردیده ترخانان دیده بودند که کاری از پیش نمیرود
 افتد کرده بودند که آن دو نفر را که نیم جانی داشته
 بد بر بروه و مخدولان فرار کرده بودند ملک رمضان
 سرسوار آنها را نیز و عالیجا محمد جعفر خان آورده
 عالیجا هشار الیه لغامی پیادگان او داده بود
 دیگر نوشته اند که چون سابقا جمال استرآباد و نفر
 از ترکمانان ایل را انداخته بخمال اینکه از جمله اشترارند
 که سیرت آمده اند مشغول نموده بودند بعد صد نفر سوار
 از ایل مزبور بر رسم علفی آمده بقریه سلطان آباد
 چپاول انداخته و نفر کاد و جران و چند ریس کاد
 پیش کرده مراجعت میکرده اند در بین راه عالیجا
 آدینه خان انابای بانها رسیده اند در مخالفت و راه
 کار بجاول انجامیده چند نفر از آنها زخمی و خود او
 بهم زخم برداشته معینا دست از مجاول برداشته
 تا آنکه کاد را با او و نفر اسیر مسترد و بصاحبان

۱۴۷۰

تسلیم کرده بود عالیجا محمد جعفر خان نایب الحکومه استرآباد
 بعد از استحضار بر این محنتی حالت چه عالیجا آدینه خان
 و شیرینی سجه سواره او به انابای فرستاده و انظار
 خورسندی و رضامندی از حسن خدمتگاری آنها
 کرده بود

دیگر از قراریکه تعبیر اخبار اس استرآباد در ماه گذشته
 سوال نوشته بودند از اینقرار بوده است

بونج	یکهوار بیت و پنجهار	۱۰۰
کندم	یکهوار دوازده هزار	۱۰۰
کنجد	یکهوار چهار تومان	۱۰۰
جو	یکهوار یک تومان	۱۰۰
ماش	یک من ده شاهی	۱۰۰
باقلا	یک من ده شاهی	۱۰۰
پیاز	یک من ده شاهی	۱۰۰
روغن	یک من دوریال	۱۰۰
گوشت	یک من پانزده شاهی	۱۰۰
بده	یک ریس یک هزار وینا	۱۰۰
مرغ	سه قطعه یک هزار وینا	۱۰۰
تخم مرغ	هشتاد و پنجه یک هزار وینا	۱۰۰
قداری	یک من هشت هزار	۱۰۰
قداری	یک من شش هزار	۱۰۰
عسل	یک من دوریال	۱۰۰
شیره	یک من هزار وینا	۱۰۰
پیرشور	یک من دو هزار وینا	۱۰۰

روزنامه وقایع اتفاقیه تاریخ یوم شنبه پنجم شهریور سنه ۱۲۸۱

مزه ویت و سی و پنج
قیمت روزنامه
هر نسخه ده شلر



منظومه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
هر خط پنجاه شلر

اخبار واحداثیه ممالک محروسه و شاهنشاهی

ارووی همایون

موجب همایون اعلیحضرت شاهنشاهی در روز شنبه
نهم اینماه از میدان نیابوران نسبت سیاقات لوسا
حرکت فرمودند و غنیمت چند روزه تفریح و کشت
در صفحات لوسان ولارند جناب جلالتعالی
امجد شرف ارفع صدر اعظم و جناب نظام الملک
و بعضی از مقربان حضرت کردون لطف سینه و
لذوم از سایر خدم و حشم قلمزم رکاب حضرت
همایون میباشند

دارالخلافه طهران

امور دارالخلافه مبارکه از بهر جهت در کمال انتظام است
و از حسن مراقبت و رسیدگی نواب مستطاب شاهزاده
والا تبارار و شیرمیرزا و مقرب انخاقان میرزا موسی
قدرت سمرقت و شجارت و حرکت خلاف ندارد و اگر
بندرت شرب یا شرارتی اتفاق بیفتد در مقام
و تنبیه بر می آیند

امورات در سجانه نواب مستطاب شاهزاده اعظم
و لیعهد دولت جهان پیدا شد تا حسن کفایت کار گذاران

مضبوط و منظم است مقرب انخاقان میرزا علیقلی مسو
حسب الامر همه روزه در خدمت نواب معظم الیه مستول
انتظام امور آن سرکار و انجام سایر خدمات مرجعه
بجود میباشند و تا ساعت از شب گذشته در ارک
مبارکه با مورات لازم رسیدگی نموده بعد از آن سجان
خود میروند و چنانچه در هفته گذشته نوشته شد بعضی
از روزگاران که مقرب انخاقان میران پنجه و سایر اعظام
چاکران در بار همایون شرفیاب خدمت شاهزاده اعظم
اعظم میشوند بعد از شرفیابی و حصول التفات نواب
ساسان میرزا لاله باشی آنها را با طاق علیجده برده
توقیر و احترام هر یک از اموات و بزرگان می آورد
در هفته گذشته اهل محله ملک آباد که از بی بی در حضرت
خدمت نواب مستطاب شاهزاده اعظم افتخار یافته
شدند که ابی با آنها رحمت شود چون آب خنک هر که
در روز چهارشنبه قیمت کار و انشای جدید و ولتی بود
مخصر حصول دعا کوی دات آفدس همایون شاهنشاهی
مقرر فرمودند که عالیجاه آقا مهدی ملک التجار را حوا
خواستن نمایند که در آن روز و شب آن آب را با اهل

۱۴۷۱

ملک آباد و اکر نماید که خانهای خود را سیراب و آب آنها
 و حوضهای خود را پر آب نماید نواب ساسان میرزا حبیب
 فرمائش عالیجاه ملک التجار را خواسته فرمائش نواب
 معظم الیه را القاف نمودند عالیجاه ملک التجار نیز برضا و رغبت
 خود و محض امتثال امر نواب معظم الیه و حصول دعا کوئی
 ذات اقدس بایون یک شبانه روز آب قنات مزبور
 بحد ملک آباد و اکر نمودند جمیع آب بنارها و حوضهای
 مملو از آب و باغچهها و خانهها سیراب گردیده سبب
 شکر گذاری و دعا کوئی عموم مالی دارا سخلا و مبارک
 اهل محد مزبور شد که عسرت و پریشانی که از بی ابی
 رفع گردید

چون عالیجاه مقرب الخاقان محمد قاسم خان که سابقا
 بکار پردازی اول امور با قنات تقطیس بود از عهد
 خدمات محوله بخود بخوبی برآمد و خاطر اقدس بایون
 و امنای دولت علیه را از طرز خدمت و ارادت خود را
 و خورسند داشت لذا در بده سپند تو سخنان پس از
 فرار فرمان مهربان مبارک او را بستاری سفارت
 و بعد از آن بر تبه مصلحت گذاری مامور توقف مستطیر
 فرمودند و یک قطعه نشان سیرسی از درجه اول با حمال
 سرخ از جانب سنی اجوانب ملوکانه بجهت مزید افتخار او
 مرحمت شده و این اوقات حسب الامر عازم محل
 خوابد گردید

از معالجات و کارهای عالیجاه حکیم بولاک و شاکردان
 ارشد قابل او که بعضی در هفت گذشته نوشته شد بعضی نیز
 که درین هفته مسطور میگردد از اینقرار است

شخصی سلسله از طرف ایر کون بقدر تخم مرغی داشت
 که بر روی ظروف شریفه و موی اتفاق افتاده بود
 عالیجاه مشار الیه در کمال وقت و مهارت بیرون آورد
 که هیچوجه آسیبی بظروف و موی نرسید و بانگ نام
 شفا یافت

شخصی پیره مرد بمقتا و سال مدت دو سال بود که مرض
 جنون و مالخولیا و گلت زبان سجدی مبتلا بود که قدر
 حرف زدن نداشت و بسیار مداوا و استعلاج کرده
 مفید نیقاده بود و میرزا سید علی که در قواعده طب است
 و از جمله شاگردهای ارشد و از مرتبه اول بود و او
 داده و پست کردش را خوش کشیده و تدابیر دیگر بکار
 برده در مدت بیکاه شفا یافت و بکار خود مشغول شد

دیگر جوانی مادر زاد لب شکری بود میرزا احمد علی که در قواعده
 طب و جراحی ایرانی حدقت داشت و از جمله شاگردان
 ارشد در مرتبه اول بود او را بریده بهم وصل کرده و با
 فی صحت یافت

میرزا حسین ولد مرحوم میرزا احمد طبیب تکابنی که در قواعده
 طب مهارت دارد و از جمله شاگردهای ارشد از مرتبه
 اول است کتابی در امراض نسا که در عهد محمد علی پاشا
 در مصر در کمال وقت از فرانسه بفرنی ترجمه شده
 مشار الیه بفارسی ترجمه میکند و بسیار بکار خواهد
 آمد و نقش عام خواهد بود

از اخبار شهر درین هفته چیزی نیست که در روزنامه نوشته
 مگر اینکه بجهت الله و فوز نعمت و کمال ارزانی و احسان حاصل

۱۴۷۷

و عموم چاکران در بار بهایون هر یک در انجام خدمات
محو له بخود نهایت اتهام را دارند

امور استقونی

افواج قاهره موقوف دارالخلافه مبارکه از یوچی و ربوچی
و سرباز همه روزه در میدان ارک و میدان مشق
خارج دروازه دولت مشغول شو هستند و در کمال
نظم میباشند و همچنین امورات دارالفنون و قوچا
و جبه خانه در نهایت انتظام است و مقرب انخاقان
محمد خان بیکر سیکی و میر سراج کمال مراقبت و مواظبت را
در انتظام امر نظام و الضباط بیوتات فرموده و سایر
خدمات محوله بخود بعضی می آورند و سایر صاحب
نظام و معین هر یک در کار و خدمت خود ساعی و جانی
میباشند

فوج قراقرز و ابوالجیمی عالیجاه محمد حسین خان سرنگ
که در قراول خانهای دارالخلافه مشغول حفظ و حراست
بودند درین اوقات که مدت قراولی آنها سپری شده
بود حسب الامر مخصر گردیدند و از جانب اولیای دولت
قاهره کمال التفات بجایگاه پشارالیه و سرباز فرورد
بعضی آمد و خلعت بهایون نیز در حق عالیجاه محمد حسین خان
عنایت گردید و فوج طهران ابوالجیمی عالیجاه مقرب انخاقان
محمد رضا خان سرتیپ بجای فوج قراقرز و قراول
قراولخانها شدند

عالیجاه فتحعلی بیگ نایبیم اجودان باشی چون در
خدمات محوله بخود کمال مراقبت و اهتمام را بعمل آورده
بود و مراتب خدمتگذاری او معلوم و مشهود است

علیه گردیده درین اوقات منصب نیابت دومی سرفراز
و یکصد تومان هم بر موجب بقا و علاقه و محبتش

چون عالیجاهان بابایک افشار و رضایک لک یاوران
تو سچانه مبارکه از قدیمی خدمتگذاران و در سفره مصدر
خدمات و جان نثاری شده بودند مراتب قدیمت
خدمت و لیاقت و شایستگی آنها معلوم و ملحوظ است
دولت قاهره شده درین اوقات حسب اشاره
منصب جلیل سرسنگی تو سچانه مبارکه که سرفراز گردیده
و فرمانهایون نیز در باب منصبش را لیه اشرف
صد دریافت

شایر ولایات

قرقوین از قراریکه در روزنامه قزوین نوشته
نواب شاهزاده والایبار عبدالصمد میرزا و مقرب انخاقان
حاجی حسنعلی خان بعد از درود بایا ولایت قراقرز است
که منی برانیت ولایت واسودکی رعیت است که در
از نجه مقرب انخاقان حاجی حسنعلی خان مستحق
قرا سورا نهایی طرق و شوارع را خواسته و در باب
حفظ و حراست راهها قدغن اکید نموده و التزام از
انها گرفته است که اگر کمال کسی در راهها سرفقت شود
از عهده غرامت آن برآیند و آنها نیز بر حسب التزام
خود مشغول حفظ و حراست طرق و شوارع میباشند
و نهایت دقت و اهتمام را درین باب دارند و بجهت
عابرین و مترددین کمال اطمینان و خاطر جمعی ازین امر
حاصل گردیده و همچنین امور شهر و محلات در عین انتظام است
و خلاف حساب از احدی ناشی و صادر نمی شود

۱۲۷۲

فارس

از قرار یک در روز نامه فارس نوشته اند نواب
 مویته اله و له حکمران مملکت فارس در موجبات حصول
 ولایت و رفاه و آسودگی نوکر و رعیت و انجام خدمات
 دیوانی بحال به تمام را معمول میدارند خصوصاً در وصول
 مالیات دیوانی و القاد آن بدربار جهاندار شاهنشاهی
 و موالفت تمام دارند که علی التوالی بحیطه وصول رسیده
 از قرار قسط القاد و در انخلا و مبارکه شود و نیز در تنظیم
 طریق شواغ قدغن آید نموده و مستحفظ و قراسوران
 نواب مسزنی الیه در همه راهها مشغول حفظ و حرست
 میباشد که قوافل و مترودین بی تلویش دزد و قطاع
 با اطمینان و آسودگی عبور و مرور نمایند
 دیگر نوشته بودند که رعایای بلوک کربال سینه کمی آب
 بودند جمعی از آنها خدمت نواب مویته اله و له آید عرض کردند
 که اسال با وصف قلت آب در بلوک مزبور تقدیر رسم که
 رعایا در آن باب تعدیل منظور نمیدارند و مابین شرکا از قوت
 نسبت بضعیف سهم شریکی ظاهر میشود نواب معزی الیه میرعالم
 میرزا مادی حاکم حومه را مقرر فرمودند که به بلوک مزبور رفقه
 ملاحظه بندهای آنجا را که از قدیم بجهت جاری شدن آب
 بقره و مزارع بسته اند نموده درین باب وقت نماید و
 حق حساب قرار درستی مابین رعایای آنجا بگذارد که هر
 حق به خود را برده نسبت بیکدیگر تقدیمی و اجحاف نکنند
 عالیجاه مشارالیه هم حسب الامر نواب شاهزاده بلوک
 مزبور رفقه و بندهای آنجا را بدقت و ارسی کرده و قرار
 تعدیل مابین رعایای آنجا گذاشته مراجعت کرده است

۱۴۷۲

دیگر نوشته بودند که نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا
 حکمران لاریستان و بنا در راه گذشته شوال این
 عباس بلا مراجعت کرده اند و علاوه بر ششصد نفر
 که مسراه عالیجاه باقرخان تکستانی ساخلوبند رعایت
 میباشد پانصد نفر دیگر تفکیکی یادار با اعتبار جدال
 ساخلو کشیده نیز عالیجاه مشارالیه روانه کرده اند
 که با خلوی بندر مزبور و محافظت و محاربت آن حدود
 دستور مشغول باشند و خود امیرزاده در لاریستان
 آن صفحات و وصول و ایصال مالیات و انجام خدمات
 دیوانی میباشد
 دیگر نوشته بودند که در بیست و ششم ماه شوال نواب
 عالیجاه مقرب انخاقان محمد ابراهیم خان سرسبز فوج
 اصفهان را با سر بازار ابوالکحیمی او مأمور بندر ابوشهر نمود
 و موجب وجیره آنها را تا کار سازی نموده با پوشاک
 و قورخانه و سایر ملزومات و تدارکات شایسته بحال
 اراستگی و انتظام روانه بندر مزبور گردیدند که
 ساخلوی آنجا باشند
 در بیست و ششم ماه مزبور فوج شیرازی ابوالکحیمی
 مقرب انخاقان محمد علیخان شجاع الملک را مأمور ببلار
 نمودند که در خدمت نواب امیرزاده عبدالباقی میرزا
 باشند و مقرب انخاقان شجاع الملک صاحب منصبان
 و اجداد و افراد فوج مزبور را احضار کرده موجب حصره
 آنهارا بر داختمه سایر ملزومات آنهارا از هر جهت
 شایسته دیده با بحال اراستگی و انتظام روانه لاریستان
 که در خدمت نواب امیرزاده مشغول انجام خدمات محوله بنحود
 باشند

روزنامه قایم القیام پنج شنبه پنجم شهریور ۱۲۷۵

مذہب و رسم
قیمت روزنامه
پرنسپال



منطقه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
پرنسپال

اجبار و احسان مالک محروم پادشاهی

اردوی هاپون

اعلیحضرت شاهنشاهی که در نیم این ماه ازین اوران سمت
سیلاقات لواسان و لا حرکت فرمودند و شب و کلهند
که متعلق جناب جلالت آب اشرف ارفع اکرم صدر اعظم بود
توقف فرمودند و بعد از آن تا روز چهارم در لواسان
بسیار شکار مشغول بودند و روز بعد از آن اردوی هاپون
بلا مرتول اجال فرمودند جناب اشرف ابعاد ارفع محترم
صدر اعظم نیز در حین حرکت موکب هاپون در رکاب
سبارک بودند پس از ورود و سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی
بنزل کل بندوک اذن مرضی از رکاب هاپون حاصل
بقریه ای که یکفرسخی آنجا و ملک مخصوصی جناب معظم است
رفتند و روز چهارم در راه از آنجایی که از رود موکب
هاپون پنجم فروردین وارد گشتند چون در این چند روزه که
موکب هاپون در لواسان تشریف داشتند جزئی سرد
و خسارت با هالی آنجا رسیده بود اعلیحضرت شاهنشاهی

یکصد تومان وجه نقد بر عیایای آنجا انعام محبت
فرمودند که توسط جناب مقرب اشفاقان نظام الملک
بر عیایای تقسیم گردید و یکصد تومان نیز از مالیات
انها تخفیف محبت نمودند که سبب از دیار امیدوار
و دعا کوئی رعایای فروردین
چون عالیجا میر هاشم خان حاکم سراب و کرم رود
در انجام خدمات دیوانی و حسن سلوک با رعیت و لزوم
ولایت داری اهتمام جو در امشود داشته خدمات
او در نظر امنای دولت علیه تحسین افتاده لهذا درین
اوقات حسب الاشارة العلیه حکومت ولایت
مفتخر و سرافراز گردید
چون مراتب خدمتگذاری عالیجا خان حسن خان سر
و نجفعلی خان نایب اول قراپا پاق بعض اولیای دولت
قاہرہ رسید در این اوقات از جانب سنی ایجو اب
هاپون بهره و خدمت محبت گردید

۱۲۷۵

دارالخلافه طهران

جناب مجدت شمسراه جنرال بر وسيله فنی ایلی دولت
 بیه روسیه که از جانب علیحضرت امیرطور با نام بود
 ختارست تاریخ ۲۱ ماه رمضان المبارک شریف
 حضور علیحضرت شایستهی کردید و کیفیت ورود
 شرفیابی جناب معزی الیه در نمره ۲۲۲ و ۲۲۱ این
 روزنامه سمت الطباع یافت بعد از آن نیز لوازم
 و احترامات از جانب سستی ایجو اب طو کانه و از اولیا
 دولت علیه من جمیع ابجها ت بصل آمد نظر بر اینکه جناب
 معزی الیه مسافر بود اولیای دولت علیه خواستند
 بزیافت دعوت نمایند چون کتبه مزاج داشت
 و ناخوش بود اجابت دعوت ضیافت را نمود
 معذرت خواست در اوقات معاودت و مخصی
 از دربار بایون از جانب علیحضرت شایستهی
 ایلی معزی الیه و سایر صاحب منصبان موافقشان
 و مرتبه هر یک نشان مر لعیان و خلعت آفتاب طلعت
 مرحمت و عنایت گردیده عالیجاه علیستی خان پیر
 قشایر بمانداری آنها نامور کشته روانه شدند
 امورات دارالخلافه مبارکه در نهایت انتظام است
 و کمال امنیت و وفور نعمت حاصل است بحمد الله
 فرزندان و از ان است ناخوشی نسبت باهای دیگر
 بسیار کم است بلکه قیمت چاکران در بار بایون
 دارالخلافه مبارکه از اعالی و ادالی نظام غیر نظام
 هر یک در انجام خدمات مرجوعه بخود نهایت سعی تمام
 دارند هوای دارالخلافه طهران چند روز شدت گرم بود

۱۴۷۶

ولی دو سه شب قبل ازین فی ایچله بارانی و ریشهر شمر
 آمده که ششبران را نیزگی بر فضا زده بود از اوقت
 در هوا قافوتی بهم رسیده شبها خشک است و روزها
 هم بان شدت که گرم بود حال نیت عمارات مبارکه
 ارک و غیره را در کار بنانی و تعمیر سپاسند در این
 بنانی زیاد دیوانی و غیر دیوانی میشود و بازارچه است
 میدان جدید سمت بازارچه صند و قد ار را تازه می
 و بازارچه صند و قد ار وصل میشود قرینه آنجا نیز که
 جبه خانه و سمت بازار قدیم است ایطور ساخته شود
 بسیار برشکوه و رونق میدان جدید خواهد افزود
 آبادی بازار سمت دروازه جدید محجیه روز بروز
 تراید است و عقرب بازار ان سمت نیز از دروازه
 مزبور تا میدان جدید بهدیکر متصل خواهد گردید افواج
 قاهره نظام از توپچی و سرباز همه روزه در میدان
 ارک و میدان خارج دروازه دولت مشغول مشق
 میباشند و از جانب صاحب منصبان و معلمین کمال
 و اهتمام در مشق و انتظام امر آنها میشود امر قراولی
 عمارات ارک مبارکه و قراول خانهای شهر نظم و
 مضبوط است و سرعت و شراقتی اتفاق نمی افتد

سایر ولایات

اصفهان از قراریکه در روزنامه اصفهان نوشته اند
 نواب مستطاب شاهزاده و الایبار حشمت الدوله
 حکمران اصفهان وارد التولایت شده اند و مالی
 لوازم استقبال و احترام را بصل آورده اند اما
 معزی الیه قبل از ورود آدم فرستاده و خبر کرده بود

که استقبالیان تا منزل مورچه خورت بالا تر نیاید
و بعضی تکلفات که ضرر و نجات مالی و رعایاست موقوف
بدارند و در روز و در با صفهان نهایت القات را
بعوم مالی انجام داده و بحسن سلوک در عین داری خود
و تفقذات اولیای دولت علیه انهار امید داری
زیاد داده اند

و یک نوشته اند که عکرات دیوانی اصفهان را بنا
و عمل ریاد و در کار و مشغول تعمیر کردن آنها باشند

پیره مردی سجام رفته داخل خزانه حمام که شده بود
فوزا تسلیم کرده و بروی آب افتاده بود

و یک از قرار یک تعمیر اجناس اصفهان را نوشته اند
تا آن بکین نجاشی و نیم و گوشت یک من هزار دینار
و برنج یک من سه عباسی و روغن یک من سه هزار
و کندم یک من سه عباسی و نیم شاهی و جو یک من یک عباسی
و سایر اجناس نیز با این منظمه مستر بوده است

فارس

از قرار یک در روزنامه فارس نوشته اند کمال است
و انتظام در اولویت حاصل است و نواب مستظرف
شاهزاده و الا تبار موید الدوله حکمران مملکت فارس
در نظم و ولایت و رفاه حال رعیت و اعیان طرق و شوارع
مراقبت و مواظبت تمام دارند خرابیهای شهر از
که از زلزله بهم رسیده بود هر جا که خراب شده
بود و تازه ساخته اند بسیار بهتر و محکمتر از سابق شده است
و جایهایی که سابقاً از خشت خام ساخته شده بود

بعد از خرابی همه را با آنچه نجات در کمال است حکام خاندان
مقرب انخاقان حاجی قوام الملک مسجد نور تعمیر نمایند
طرف رو بقبله مسجد را از روی شالیده بنیانی کرده
و با تمام رسانده اند و دستم بدنه و یکم از کار کنند
میازند آنچه ساخته شده است بحسب وضع و استحکام
بهتر از سابق است و بعد از اتمام از قرار یک نوشته اند
خیلی باشکوه خواهد شد مقرب انخاقان میرزا ابوالحسن خان
مشیر الملک مسجد جدیدی که ساخته بود از صدمه زلزله
خراب شده در این اوقات مجدداً خرابیهای انجارا
در کمال استحکام تعمیر نمایند بعضی از مالی و اعیان نیز
برخی از مساجد و کاروانسراها و حمامها و خانهها را که از
زلزله خرابی بهم رسانده بودند اقدام به آبادی آنها
کرده حکم و منصبها میازند و کوهها و سیعتر از سابق
و بسیار بافتنا و صفا شده است

و یک نوشته اند که باغستان جدید ریاد و حبیب
بلوکات فارس احداث کرده اند خصوصاً در مسجد
بردی شیراز و سایر بلوکات و در شهر که میوهها
ممتاز بعضی آورده اند از آنچه اشجار نهال نارنج در
خانههای شهر شیراز و باغستان بعضی آورده اند و
نهال نارنج بسبب وفور بسیار ارزان شده است
و همچنین در صفاجات کمرسیرات نیز نهال نارنج
احداث کرده اند و روز بروز آبادی باغستان
تخیلات ریاد تریشو و قسم چنین قنوات جدید
هم در هر بلوک و محل بعد از خرابی حال خود و آورده
و در می آورند و قنوات قدیم و جدید را هم تعمیر نمایند

۱۲۷۷